



۸۰

سوسیالیسم امروز

۱ دی ۱۳۹۷ - ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی



پیام سلام زیجی
به مناسبت پایان سال ۲۰۱۸
و شروع سال ۲۰۱۹ میلادی

صفحه ۱۲

یورش جنایتکارانه
به فعالین کارگری
فولاد اهواز
نیازمند پاسخ فوری و
گسترده کارگری -
توده ای است!

صفحه ۴

حداقل دستمزد سال ۹۸
و ترفند های جدید ضد کارگری جمهوری اسلامی

صفحه ۷

راه مقابله با افزایش فشار رژیم تداوم مبارزه
و گسترش اتحاد صفوف جنبش مان است!

صفحه ۸

فاجعه خودکشی تحت حاکمیت
حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی

صفحه ۶

از آتش سوزی در مدرسه شین آباد
تا حادثه مرگبار دیگر در یکی از دبستانهای شهر زاهدان

صفحه ۹

اخبار و گزارشات کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

جهت اطلاع خوانندگان گرامی:
شماره ۸۱ "سوسیالیسم
امروز" در تاریخ ۱۵ دی ۹۷
(۲۰۱۹-۱-۵)
منتشر میشود

در صفحات دیگر:
- درباره «ارزش اعتصاب»
- به روایت تصویر: مبارزه کارگران
و چند اتفاق مهم دیگر در هفته که
گذشت

نصف شب یکشنبه (ساعت ۲ بامداد امروز دوشنبه ۲۶ آذر) حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی با طرحی از پیش آماده بطور همزمان به اکثر منازل فعالین کارگری معترض فولاد اهواز یورش برده است. در این یورش جنایتکارانه توانسته حداقل ۱۶ نفر از کارگران فولاد اهواز را بازداشت و به مکانهای نامعلومی منتقل نماید. اسامی بازداشت شدگان عبارتند از: میثم علی قنوتی، عیسی مرعی، امین علوانی، مرتضی اکبریان، طارق خلفی، مسعود غفری، جعفر سبحانی، مصطفی عبیات، غریب حویزروی، کریم سیاحی، حامد باصری، حافظ کنعانی، حامد جودکی، حسین داودی، کاظم حیدری و یاسر ابراهیمیان. بنا به گزارشات منتشر شده، رژیم اسلامی قصد بازداشت تعداد بیشتری را داشته اما هنگام مراجعه کارگران مورد نظر در منزل نبوده اند. با این حال کارگران امروز نیز اعتراضات خود را از سر گرفتند. در جریان این اعتراض نیز اوپاش جمهوری اسلامی با یورش به صف کارگران معترض ۱۲ کارگر دیگر را نیز به اسامی مجید جنادله، کوروش اسماعیلی، علی عقبا، محسن بلوطی، محمد پور حسن، محسن پهباتی، حبیب طباطبائی،

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

یورش گسترده به کارگران...

جاسم رومزی، علی اتمای، علی جواد پور، جواد غلامی و عبدالرضا دستی را بازداشت کرده اند.

بازداشت کارگرانی که بیش از یکماه است با رساندن صدای اعتراض آمیز خود به جامعه ایران و جهان خواهان حداقل حقوق و مطالبات خود هستند، یک اقدام بسیار شنیع و جنایتکارانه، و گویای عمق ضدیت و وحشت این رژیم و کلیه دارودسته هایش از اعتراض و اعتصاب و تشکل و طرح هر نوع مطالبه بر حق کارگرانی است که کم و بیش به منفعت خود آگاهترند و نمیخواهند به تحمیل زندگی بردگی بر خود بیش از این رضایت بدهند. و نمیتوانند این دنیای ضد انسانی را بیش از این تحمل نمایند که از سوی خود و خانواده و فرزندان را فاقد حداقل امکانات اولیه زندگی ببینند و شاهد دزدیدن مداوم دستمزدهایشان باشند و همزمان شاهد وجود یک حاکمیت قلدر و آدمکش، یک مشیت مافیای میلیاردی بر محیط کار و شهر و کشور باشند! اما آنچه که امکان داده است تا دست جنایتکارانه اوباش اسلامی بر روی کارگران بلند گردد و بتوانند به این شکل گستاخانه دست به بازداشت ده کارگر بزنند، بر میگردد به تنها ماندن کارگران فولاد در مبارزه ای که به کل طبقه کارگر ایران مربوط میباشد. متأسفانه بجز حمایت‌های عاطفی، مجازی و محکوم کردنها، از نظر عملی شاهد هیچ اقدام جدی و همزمان اعتراضی و اعتصابی نه در مراکز کار دیگر و نه در شهرهای دیگری نشدیم. این جای تأسف عمیق است و گویای ضعف بزرگ جنبش و صف ما کارگران، که همواره یک علل پایه عدم پیشروی و ناکامی جنبش ما در مقابل یکی از وحشی ترین نظامهای سرمایه داری و اسلامی است.

در چنین شرایطی معقولانه است که کارگران، به ویژه رهبران سوسیالیست طبقه، برای رفع فوری این خلا در مبارزه جنبش کارگری فکر جدی تری بکنند. روحیات به ظاهر "انقلابیگری" سطحی نگر پوپولیستی که همواره شعار "جنگ جنگ تا پیروزی"، را سر میدهند، درست مشابه سنت راست سازشکار و تسلیم طلبی در مقابل حاکمیت و سرمایه داران، به سنت ما تعلق ندارد و نباید بر مبارزه و سیاست ما تأثیر گذار باشد. چنین نبردهای را به تنهای و بدون همراهی عملی بخش وسیعی از جنبش، و در سیستمی که هر صدای را با سرکوب جواب می دهد، تا آخر راه نمیتوان طی نمود. وقتی بعد از ۵-۶ هفته اعتراض و اعتصاب مستمر بدون حمایت عملی بقیه کارگران در کشور ادامه پیدا میکند، وقتی تجربه هفت تپه جلو ما قرار میگیرد، اصولی بود و هست که تصمیمات بهتری برای چگونگی ادامه مبارزه بر حق خود اتخاذ نمود. وقتی ارسال آخوند، کفن، الله اکبر گوئی، بسیجی، مجلسی، فرماندار، قول دادنهای آبکی و حضور مقامات و مزدوران ریز و درشت حکومتی به منظور ایجاد اختلاف و اخلاص (کاری که به نسبت در هفت تپه موفق شدند) در مبارزه کارگران پاسخ نگیرد، نباید شکی داشت همان اوباشی که فعالین هفت تپه را بازداشت نمود و آنها را مجبور به پایان اعتصاب کرد و سرمایه دار را نیز فراری داد، همان اوباشی که دیروز به دولت فرانسه پیام میدهد

با تظاهرات کنندگان "خشونت نکنید"، در اوج وقاحت و بیشرمی، همانند چهل سال حاکمیت تنگینش، راهی جز سرکوب و خشونت عریان و یورش بردند به منازل و زندگی کارگران و صف اعتراض آنها پیش روی خود نمی بیند.

این منطق هر دولت وحشی سرمایه داری اعم

از ملی گرا، اسلامی و دمکراسی طلبان است!، و پاسخ آن هم یک پاسخ قدرتمند و متحد طبقاتی و خواباندن همه چرخه تولید و صنایع و کوبیدن مشیت محکم به دهنش است نه مبارزه فردی و یا تک فابریکی صرف! برای مبارزه با چنین رژیمی که دستش به خون دهها هزار کارگر آلوده است و همچنین بسیار حرفه ای است در چگونگی آسیب رساندن از دورون به جنبش و به طبقه کارگر، جنبش ما نیازمند اتحاد بسیار بیشتری است! نیازمند رهبری بسیار هوشیارتر، نقشه مند تر و متحد کننده تر و دور اندیش تری است! نیازمند تکثیر عملی و فوری تصمیمات و قهرمانیهای جمعی و روشن بینی رهبری سوسیالیستی در هفت تپه و فولاد در کشور و تمام مراکز کلیدی کارگری است!، و اگر چنین اتفاقی صورت نگیرد فولاد و هفت تپه و هیچ مرکز کارگری دیگری به تنهای زورش به این حاکمیت جانی نمی رسد!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران بازداشت کارگران فولاد را قویا محکوم میکند! حزب، طبقه کارگر ایران را به اعتراض به این جنایت جمهوری اسلامی فرامیخواند. همچنین جامعه ایران و جنبشهای مترقی را به حمایت بیدریغ و عملی از کارگران فولاد فرامیخوانیم! جمهوری اسلامی باید با مواجه شدن با اعتراضات بسیار گسترده کارگری و توده ای مجبور گردد هر چه فوری و بدون قید و شرط کارگران بازداشتی را آزاد و به مطالبات بر حق کارگران فوراً پاسخ مثبت داده شود.

کارگران بازداشت شده فولاد و همه فعالین دیگر باید فوراً آزاد شوند!

مرگ بر حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

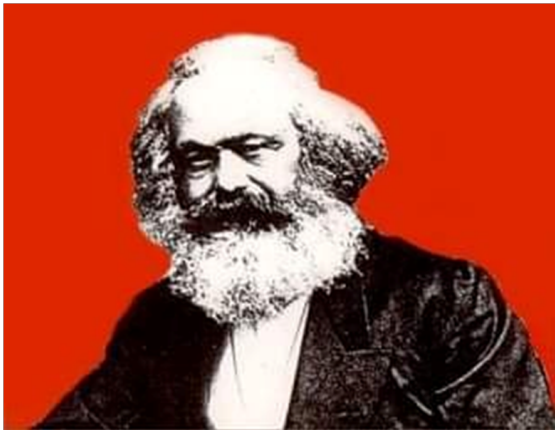
Iransocialist2017@gmail.com

۲۶ آذر ۱۳۹۷

۱۷ دسامبر ۲۰۱۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!





درباره «ارزش اعتصاب»

کارل مارکس

اعتصابها و تشکلهای کارگری به سرعت و در گستره‌های بی سابقه در حال رشدند. من هم اکنون گزارشهایی از اعتصاب کارگران کارخانه‌ها را پیش رو دارم، کارگران همه‌ی حرفه‌ها در استاکپورت، آهنگران، ریسندگان، بافندگان و غیره در منچستر، قالی بافان کیدرمینستر، معدنچیان معادن ذغال سنگ رینگود، نزدیک بریستول، بافندگان و پارچه بافان بلکبرن، پارچه بافان دارون، کابینت سازان بوستون و حومه، بافندگان بارنزلی، ابریشم بافان اسپایتالفیلدز، توری بافان ناتینگهام، کارگران همه‌ی حرفه‌ها در منطقه‌ی بیرمنگام، و دیگر مناطق مختلف.

هر نامه‌ی پستی، گزارشهای جدیدی از اعتصاب با خود همراه دارد؛ اعتصاب به یک اپیدمی بدل شده است. هر اعتصاب بزرگی، مانند اعتصابهای استاکپورت و لیورپول و نظایر آنها، ضرورتاً باعث سلسله‌های از اعتصابهای کوچک میشود، اعتصاب شمار زیادی از کارگران که نمیتوانند در برابر کارفرمایانشان مقاومت کنند، مگر آن که به حمایت همکارانشان در سراسر کشور تکیه کنند. و این همکاران نیز برای یاری آنها به نوبه‌ی خود از آنان می‌خواهند برای افزایش دستمزد مبارزه کنند. افزون بر این، در هر منطقه‌ای، این مساله علاوه بر جنبه‌ی منفعتی اش به امری حیثیتی بدل شده است، به طوری که کارگران مناطق نمی‌خواهند با تن دادن به شرایط تحمیلی کارفرما خود را از همکارانشان جدا کنند. و چنین است که اعتصاب در یک منطقه با اعتصاب در دیگر مناطق دوردست پاسخ میگردد. در برخی موارد، درخواست افزایش دستمزد تنها برای تسویه‌ی مطالبات معوقه‌ی قدیم با کارفرمایان است. اعتصاب بزرگ استاکپورت از آن جمله است.

در ژانویه‌ی ۱۸۴۸، کارخانه داران شهر استاکپورت ده درصد از دستمزد همه کارگران حرفه‌های مختلف کارخانه‌ها را کم کردند. این کسر دستمزد را کارگران به این شرط پذیرفتند که با بهبود اوضاع اقتصادی دوباره به دستمزدهایشان اضافه شود. از همین رو بود که، در اوایل مارس ۱۸۵۳، کارگران قول کارفرمایان را به آنان یادآوری کردند؛ و چون خبری از این وفای به عهد نشد، بیش از سی هزار کارگر دست از کار کشیدند. در بیشتر کارخانه‌ها، کارگران به صراحت بر حق خود در سهم شدن در رونق اقتصادی کشور به ویژه در وضع خوب کارفرمایانشان تاکید کردند.

وجه مشخصه‌ی اعتصابهای کنونی این است که از پایین و از میان کارگران ساده‌ی مهاجری شروع شد که در بخشهای مختلف به حرفه‌ی صنعتگری اشتغال دارند و پس از آن به کارگران کارخانه‌ها در مراکز بزرگ صنعتی بریتانیای کبیر رسید؛ حال آن که در تمام دوره‌های پیشین، اعتصابها پیوسته از کارگران کارخانه‌ها، از مکانیکها، ریسنده‌ها و نظایر آنها سرچشمه میگرفت، سپس به میان لایه‌های پایین این نیروی پر جنب و جوش بزرگ سرایت میکرد، و تنها در پایان به صنعتگران میرسید. این پدیده‌ی جدید را تنها به مهاجرت میتوان نسبت داد.

گروهی از نوعدوستان و حنا سوسیالیستها وجود دارند که اعتصاب را برای منافع «خود کارگر» بسیار مضر میدانند، و هدف اصلی شان پیدا کردن روشی برای تضمین دستمزد میانگین دائم برای کارگران است. گذشته از این واقعیت که چرخه‌های صنعتی و مراحل گوناگون آنها وجود چنین دستمزد میانگینی را منتفی میسازد؛ من، درست بر خلاف این دیدگاه، بر این نظرم که افزایش و کاهش متناوب دستمزدها، و کشمکش‌های مداوم بین کارفرمایان و کارگران که از آن سرچشمه میگردد، در سازمان کنونی صنعت، وسیله‌ای است ضروری برای حفظ روحیه‌ی طبقات کارگر، متحد کردن آنان در یک تشکل بزرگ برای مقابله با دست درازی طبقه‌ی حاکم و جلوگیری از تبدیل کارگران به ابزارهای بی تفاوت، بی فکر و کمابیش خورده و خوابیده‌ی تولید. در جامعه‌ای که بر تضاد آشتی ناپذیر طبقات بنا شده است، اگر میخواهیم در عمل و در حرف از بردگی جلوگیری کنیم، باید وجود جنگ را بپذیریم. برای آن که درک درستی از اعتصاب و تشکلهای کارگری داشته باشیم، نباید بگذاریم که اهمیت ظاهری نتایج اقتصادی آنها چشم ما را بر روی پیامدهای اخلاقی و سیاسیانشان بیند. بدون مراحل متناوب بزرگ رکود، رونق، هیجان زدگی بیش از حد، بحران و فقر و فلاکت، که صنعت بزرگ آنها را به صورت چرخه‌های بازگردنده در می‌نوردد، و همراه با آن بالا و پایین رفتن دستمزدها، و نیز نبرد پیوسته‌ی کارفرمایان و کارگران که رابطه‌ی تنگاتنگی با این تغییرات دستمزد و سود دارد. طبقات کارگر بریتانیای کبیر و تمام اروپا، توده‌های اندوهگین، بی اراده، خسته و سست عنصر خواهد بود که رهایی اش همان قدر ناممکن است که رهایی بردگان یونان و روم باستان. نباید فراموش کرد که کمونهای قرون وسطا بر بستر اعتصابها و تشکلهای سرفه‌ها رشد کردند، و همین کمون‌ها بودند که به نوبه‌ی خود پیدایش بورژوازی حاکم کنونی را رقم زدند.

ترجمه: محسن حکیمی

منبع: «نیویورک دیلی تریبون»، اول ژوئیه‌ی ۱۸۵۳ (مجموعه‌ی آثار مارکس و انگلس، جلد دوازده، صفحات ۶۹-۱۶۸)

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!



حداقل دستمزد سال ۹۸ و ترفند های جدید ضد کارگری جمهوری اسلامی

سلام زیجی

"اساساً درباره این سیاست کلی که ما در کشور بتوانیم چند بار حداقل دستمزد را تعیین کنیم باید با دولت هماهنگی کامل داشته باشیم". اولاً، حداقل دستمزدی که هیچگاه کارگران در تعیین آن نقشی نداشته اند چه فرقی به حال کارگر میکند در سال یکبار حکم به بردگی کارگر بدهید یا چند بار؟! حداقل دستمزد بر اساس تامین حداقل زندگی کارگران و خانواده‌هایشان، نه با معیارهای ضد انسانی جمهوری اسلامی، که حداقل در سطح معیارهای زندگی یک کارگر اروپایی باید تعیین گردد!، حربه های بورژوائی ضد کارگری مانند "نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی"، "منفعت ملی"، "اقتصاد مقاومتی"، "تحریم اقتصادی"، "ورشکستگی کارخانه"، "جنگ و تهدید و فضای جنگی و غیره هیچکدام به شاخصهای تعیین حداقل دستمزد و منافع و حقوق و دستمزد کارگر ربطی ندارند! اینها حربه های دولت و سرمایه داران برای زدن حق و دستمزد کارگر هستند. در ضمن بعد از تعیین حداقل دستمزد، هر گاه هر بخشی از این هزینه‌ها بالاتر بروند، مواد خوراکی گرانتر شود، باید بطور اتوماتیک به همان نسبت به حداقل دستمزد تعیین شده اضافه گردد. ثالثاً، طبقه کارگر ایران تا زمانی که از کانال تشکلهای نمایندگان مستقل از دولت و کارفرمایی، و منتخب مجامع عمومی و شوراهایی کارگری خود به رسمیت شناخته نشود و وارد عمل نگردد، تا زمانی که بدون ترس از سرکوب و زندان پای این نبرد طبقاتی و تعیین تکلیف حق حداقل دستمزد خود نروند، شما شریعتمداریها و دولت و کارفرمایانان نه به اسم کارگر و شورای عالی کار و نه به مثابه وزیر و دولت سرمایه داران هرگز صلاحیت و حق تعیین حداقل دستمزد برای کارگران را ندارید! دولتی که با انواع ترفند و شنیعترین شکل ممکن فعالین و گرد همائی و نمایندگان منتخب دو مجتمع کارگری هفت تپه و فولاد را به این شکل عریان سرکوب نمود و واقعا غلط میکند که برای کارگران تعیین تکلیف دستمزد نماید و برایش اشک تسماح بریزد!

به علاوه، اخیراً یکی دیگر از مقامات این حکومت ضد کارگری از تعیین حداقل دستمزد بر اساس منطقه، استان و یا شهری سخن فرسائی کرده است. توجیه این طرح گویا "تفاوت" در میزان هزینه و زندگی ها است!، اما این یک دروغ و ترفند آشکار و جدید ضد کارگری است برای مقاصد ضد کارگری دیگری. هدف ایجاد تفرقه و تشدد بیشتر در صفوف کارگران، ایجاد رقابتهای بی مورد در باره دستمزد، تحمیل بی اختیاری و بی حقوقی باز هم بیشتر کارگر در ایفای نقش متحد و سراسری جنبش کارگری در تعیین حداقل دستمزد ناچیزش است. هدف خارج کردن موقعیت پاسخگو بودن دولت و سیستم در قبال حق و دستمزد کارگران و حواله دادن آن به سوی مقامات و ادارات و کارفرمایان پائین دست در محل، و در این وسط هم حتماً "دولت" نقش "میانجیگر" و مدال "بیطرفی" و غیره

جناب پاسدار محمد شریعتمداری، وزیر کار ضد کارگری حکومتی که علیه کارگران شمشیر را از رو بسته اند، و در همین چند روز دها کارگر را که خواهان حقشان، از جمله پس گرفتن دستمزد معوقه شان بودند، با ارسال کانگسترهای مسلح بزدلشان با ضرب و شتم به جان کارگران افتادند، شبانه به محل سکونتشان یورش بردند و آنها را بازداشت و شکنجه و جریمه نمودند، حالا درست در چنین شرایطی آقای "وزیر کار" بیشرم تشریف آورده اند و از حق کارگران و حداقل دستمزدشان مزخرفات میفرمایند. این کثیف ترین و بی شرفترین موجودات اسلامی و ضد کارگری با وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین شکل ممکن ۴۰ سال تمام است به زندگی و حقوق اولیه دها میلیون کارگر و فرزندان آنان تعرض میکنند، حقشان را میخورند، بی حرمتشان میکنند، و در عین حال از قبل کار همین سرکوب شدگان و شرافتمندترین قشر و طبقه جامعه نظامشان را سرپا نگاهداشته اند، روی ثروت عظیمی لم داده اند، سرگرم سرمایه گذاری و عیاشی در داخل و خارج کشورند، هزینه قران خوانی و سینه زنی و کتک کاری هر روزه دستفروشان حاشیه خیابانها، تعرض مستمر به حق اولیه زنان و تامین هزینه سیستم عریض و طویل مذهب و دولت و نیروهای مسلحشان، هزینه گله وسیع و مصرف کنندگان آخوند، حزب الله، بسیجی و دیگر اوباش مزدور مسلح و غیر مسلح را نه فقط در ایران که در چند کشور منطقه را نیز از قبل دسترنج همین کارگرانی تامین کرده و میکنند که با این شکل وحشیانه سرکوب و حق اولیه شان به گروه گرفته میشود. با این وجود میایند جلو دوربینها و در رسانه ها از حق کارگر و حداقل دستمزد کارگران و "عدالت" و اینکه به کارگران "سخت" میگذرد دهن دریدگی میکنند. واقعا تف به حیا و شرف نداشته شان، و لعنت به نظام و رهبر و مذهب شان!، ننگ و نفرت بر این همه ریاکاری و دروغ و جنایت و فساد کاریها!

در چنین اوضاعی این وزیر، "تازه کار" آمده و همان راه مقامات ما قبل خودش را مبنی بر دروغگوئی و عوامفریبی ادامه می دهند. او می گوید: "تا پایان سال جاری دستمزد کارگران ترمیم و افزایش میابد". اما کدام ترمیم؟ و کدام افزایش؟ حرف صریحی فعلاً نمیزنند. اما روشن است، اگر بتوانند، مانند سالهای پیش تر با وجود اینکه هزینه اکثر مواد خوراکی و هزینه های اولیه زندگی ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد افزایش یافته است، شکی نیست حداکثر با یک افزایش ۲۰ درصدی (۶ برابر زیر خط فقر) جلو می آیند و یکسال دیگر میلیونها کارگر برده را در خدمت به بقای نظام فاسدشان به کار اجباری مجبور میکنند. این یک جنایت عظیم دیگری است که بر بستر تعرضات تاکنونی شان میخواهند به سر انجام برسانند. نباید به عملی شدن آن اجازه داد!.

جناب شریعتمداری میگویند:

← ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

حداقل دستمزد سال ۹۸ و ...

و کارفرما، آزادی فوری همه کارگران بازداشت شده، حق داشتن آزادی اعتصاب و اعتراض بدون مواجه شدن با اوباش مسلح سرکوبگر! و تعیین رقم حداقل دستمزد نه از کانال نمایندگان دولت از جمله شوابیعالی کار که از کانال شوراها و نمایندگان منتخب کارگران در مراکز مختلف کارگری باید تعیین گردد.

با گسترش بحران اقتصادی، اخراج مداوم کارگران، افزایش بی سابقه گرانی و تورم، کارگران بارها خواهان افزایش حداقل دستمزد بر اساس واقعیت های کنونی شده اند اما جنایتکاران ضد کارگر نه تنها گوش شنوایی نداشته اند که قلابده هایشان را رها کرده اند تا حق و دستمزد ناچیز کارگران را به جیب بزنند و در صورت اعتراض با زندان و شکنجه و گسیل مزدوران مسلح احمق اعتراض و اعتصاب کارگران را در هم میکوبند. پاسخ جنبش ما نه گفتن به آن ترندها و مقابله متحدانه و طبقاتی جنبش ما برای گرفتن حق خود است. شرایط کنونی کشور و تجارب مبارزاتی اخیر کارگری به ما می گوید برای گرفتن حق خود، از جمله برای گرفتن حق حداقل دستمزد سال ۹۸ طبقه کارگر باید متحدانه ترو سراسری تر به میدان بیاید!

پاسخگو بودن را نسبیب خود میکند! سوال این است که آیا شما برای طلاب و آخوند و اوباش هایتان در هر شهر و روستایی حقوق های مزدوری متفاوتی در نظر گرفته اید؟ آیا شما برای نمایندگان کردن کلفت مفت خور و بی عرضه در مجلس تان و ارگانهای دولتی تان که از هر استان و شهری با هزینه زندگی نسبتا متفاوتی نیز آمده اند سر آخر نظام جمع شده اند، و هر کدام هم حقوق قریب به ده تا بیست برابر هر کارگر می گیرند، در محل و استانها تعیین کرده اید؟ و هر سال هم چند بار آنرا مجددا تعیین میکنید؟ شما که در همان بودجه باد آورده سالیانه، که جز سرکوب و فقر و کار ارزان برای کارگر در آن "بودجه بندی" نشده است، کل ثروت مملکت را یکدفعه به حلقوم چرکین شان واریز میکنید؟ حقوق ماهیانه کارکنان دولت تان و کارکنان و کارمندان و غیره را در هر شهری که تعیین نمیکنید؟ پس چرا به کارگران میرسد به این همه "ابتکار" و تیز هوشی "الهی تان نائل می گردید؟"

خیر!، تعیین حداقل دستمزد برای کارگر یک پدیده سراسری است!، و اگر طبقه ما حق ایجاد تشکلهای سراسری خود از جمله در رشته های مختلف کار میداشتند، بر اساس میزان حداقل دستمزد تعیین شده سراسری، راسا میتوانستند در هر بخش کاری، بنا به ویژه گیهای آن رشته، با دولت و کارفرما وارد مذاکره شوند. در هر حالت، تعیین میزان دستمزد و تصمیم در باره آن تنها در صلاحیت نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارگران، و مستقل از دولت، شوراییعالی کار، خانه کارگر، شورای اسلامی و دیگر نهادهای ضد کارگری است! بدنبال تعیین نرخ حداقل دستمزد سالانه است که بر این مبنا نه تنها حقوق بیمه بیکاری) دوران بیکاری تعیین و پرداخت باید گردد، که دستمزد در دیگر مراکز کار با شرایط کارهای سخت تر، مانند معدن، صنایع، ساختمانی، شب کاری و غیره افزایش و تعیین میگردد. حداقل دستمزد یعنی تامین حداقل زندگی اقتصادی هر خانواری که بدون دغدغه زندگی اقتصادی، هزینه های مسکن، غذا، آموزش و پرورش، تفریح، پوشاک، پزشکی، و غیره کارگران، از جمله نیازمندیهای یک خانواده ۳ تا چهار نفره کارگر را تامین کند. حداقل دستمزد یعنی اینکه هیچ کارگری در هیچ گوشه ای از کشور نباید از آن رقم و در ساعات کاری معمولی ۸ ساعته کمتر دستمزد دریافت کند! در ایران امروز، با توجه به اعلام خط فقر ۳ تا ۴ میلیون، و بنا به تورم بالا و گرانی اجناس و غیره معلوم است حداقل دستمزد ماهانه کارگر در سال ۱۳۹۸ نمیتواند از ۶ میلیون تومان کمتر باشد.

اما همزمان با مطالبه اقتصادی حداقل دستمزد، کارگران ایران پلاتنرم و مطالبه روشن و مرتبط به زندگی اقتصادی و تحقق حداقل دستمزد مورد نظر خودشان را نیز در مقابل شما سرمایه داران و شریعتمداریها قرار داده اند. و بدون تحقق این مهم روشن است حداقل دستمزد کارگران نیز همچون گذشته یک تصمیم یکطرفه، جنایتکارانه و تحمیل فقر و بردگی از جانب دولت و سرمایه داران خواهد بود. باید این مطالبه ها نیز تامین گردد: آزادی بدون قید و شرط تشکل و حزب و مستقل از دولت



بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

از آتش‌سوزی در مدرسه شین‌آباد تا حادثه مرگبار دیگر در یکی از دبستانهای شهر زاهدان

دقیقت

از سوی دیگر هزار و ۷۰۰ کلاس کانکسی هم همچنان محل درس خواندن دانش‌آموزان در برخی مناطق ایران هستند. و در بعضی از جاهای دیگر که به نقاط محروم کشور معروف هستند با مدرسه ای وجود ندارد و یا اگر هم وجود داشته باشد با کمترین امکانات روبه‌رو است.

امروز بعداز حادثه دوم در شهر زاهدان، شش سال از حادثه مدرسه شین‌آباد نیز می‌گذرد که هنوز درد آن باقی است. هنوز دختران شین‌آباد آرزوی آرایشی را در سر دارند تا چهره‌شان مثل هموعان خود به زیبایی گراید. آنها هنوز در فکر انداختن گوشواره در گوشهای خود هستند، دوست دارند در صبحگاهان سازی بنوازند و مثل تمام دختران دیگر تشکیل زندگی دهند، اما هنوز آتشیهای کلاس درس بر حیات آنها می‌تازد و اجازه نمیدهد که روشنای لطیف زندگی را دوبار حس و لذت خوشبهارا بچشند. همان شعله‌های آتشی که گوشهای آنان را ستاند و انگشتانشان را نوب کرد و پوستشان را در هم کوبید اکنون به سراغ کودکان محرومی دیگری شتافته است تا بار دیگر محرومانی دیگری را در هم کوبد و تعدادی

دیگری را تسلیم خاک و از آینه متنفر سازد. حادثه دختران شین‌آباد آنقدر جانسوز بود که به درازای این چند سال نه فقط این کودکان و این دختران، بلکه تمام وجدانهای بیدار در جامعه گریست. شاید مصیبتها زمانی دوچندان شوند که ببینیم این حادثه‌ها پایانی نداشته‌باشند همین رویدادو همین حادثه در نقطه دیگر تکرار و جان عده‌ای دیگر را بستاند و شعله‌هایش زبانه کشد و کودکانی دیگری را نیز در دیاری دگر در آغوش کشد. و آن وقت

است که باید گفت دوباره و چند باره تاریکترین خاطره‌ها ناگهان به خاطرمان هجوم می‌آورند، زیبایی به تاراج رفته چهره‌های سوخته دختران دوباره در ذهنمان نقش می‌بندد و حالا ناباورانه باید ذهنمان به جای دیگر پر کشد و صدای جیغ دخترکانی را در جایی دیگر در مدرسه‌ای دیگر بشنود.

وقتی شعله‌های آتش زبانه می‌کشد و کپسول آتش‌نشانی بابای مدرسه خالی است، وقتی معلم بخاری را بلند می‌کند تا از در بیرون ببرد، وقتی بخاری واژگون می‌شود، وقتی دود سیاه همه جا را می‌گیرد، وقتی همه می‌دوند به سمت زندان پنجره‌ها، نرده‌هایی که از جایشان تکان نمی‌خورند و تعدادی از کودکان که به سختی نفس می‌کشند، جیغ می‌کشند و می‌دوند و راهی جز دری که جلوی آتش گرفته ندارند آن وقت است که دوباره باید زانوهارا در آغوش کشید و به دور دست‌ها نگرست و آزادی را فریاد کشید و خاطره‌ها را در ذهن نگاه داشت.

در روز چهارشنبه، ۱۵ آذر ۱۳۹۱ است در یک حادثه دلخراش به دلیل نقص تجهیزات گرمایشی در یکی از مدارس دخترانه در روستای شین‌آباد از توابع پیرانشهر ۲۹ دانش‌آموز دختر دچار سوختگی شدند که دو نفر از آنها بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست دادند. همچنین در این حادثه ناگوار انگشتان سه تن از دانش‌آموزان به دلیل شدت سوختگی و عدم قبول پیوند قطع شد. این حادثه که به جراحات شدید دانش‌آموزان منجر شد، عوارض روحی و اجتماعی جدی برای حادثه‌دیدگان، اعضای خانواده آنها و ساکنان روستا تا به امروز نیز که بیشتر از ۶ سال از این واقعه گذشته است به جا گذاشت. ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه، ۱۵ آذر ۱۳۹۱، یک کلاس درس مدرسه ابتدایی روستای شین‌آباد از توابع شهرستان مرزی پیرانشهر دچار آتش‌سوزی شد و از ۳۷ نفر دانش‌آموزان آن ۲۹ نفر دچار سوختگی شدند. حادثه زمانی روی داده که بخاری نفتی این کلاس دچار آتش‌سوزی شد و تلاش سرایدار مدرسه برای خاموش کردن آن با استفاده از کپسول آتش‌نشانی مؤثر واقع نشد. سرایدار مدرسه وقتی نتوانست آتش را خاموش کند،

اقدام به انتقال بخاری به بیرون از کلاس کرد که در این موقع بخاری منفجر شد و آتش به تمام سطح کلاس سرایت کرد.

۶ سال بعد و ۲۷ آذر ۹۷ اینبار دانش‌آموزان دبستان غیردولتی " اسوه حسنه " در زاهدان قربانی چراغ نفتی کلاس درس شدند و ۴ دانش‌آموز کلاس اولی دچار سوختگی شدید شدند که تا این لحظه متأسفانه هر ۴ نفر سوخته شده جان خود را از دست داده‌اند.

حادثه دبستان غیردولتی " اسوه حسنه " از چند بعد قابل بررسی است. در بعد کلان باید گفت که

یکبار دیگر و بعداز شش سال در حالی که ۲۶ نفر از دختران شین‌آباد همچنان درگیر جراحات و تبعات سوختگی‌های شدید خود هستند و متأسفانه تا به امروز هم درمان نشده‌اند، در جای دیگر دانش‌آموزان مناطق محروم دیگر قربانی نبود امکانات شدند. شهر زاهدان که مرکز استان سیستان و بلوچستان است فقط ۱۰ درصد این شهر گاز دارد و این مسئله سرانجام دامن دانش‌آموزان محروم این دیار را گرفت. از طرفی دیگر استفاده از سیستم گرمایشی غیراستاندارد در مدارس اکثر شهرهای ایران کاملاً رایج است و هم‌اکنون ۸۳ هزار کلاس درس با استفاده از بخاری نفتی گرم می‌شوند که عمدتاً در مناطق محروم قرار دارند. در حال حاضر تعداد بسیار زیادی کلاس درس غیراستاندارد در کشور وجود دارد. این تعداد بسیار زیاد بر اساس آمارها ۱۱۳ هزار کلاس درس است که هنوز نایمن هستند. امروز ۹۸۷ کلاس درس چوبی و سنگی در کشور وجود دارد که قرار بود بخشی از آنها تا پایان سال ۹۶ و بخشی هم در سال ۹۷ جمع‌آوری شوند که تا به امروز این پروژه عملی نشده است و در حال افزایش نیز هست.



ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

راه مقابله با افزایش فشار رژیم تداوم مبارزه و گسترش اتحاد صفوف جنبش مان است!

ابراهیم باتمانی



و بیشرمانه خو را هم حق به جانب میدانند! این حکومت جنایتکار با سرکوب و غارات ان مملکت و زندگی اکثریت شهروندان جامعه

را به خاک سیاه نشانده است. حکومت جمهوری اسلامی مسئول نا امنی جامعه ایران است. تحمیل حجاب اجباری به زور سر زنان ایران نا امنی نیست؟ زندگی کارگران را به قهقرا بردن نا امنی نیست؟ زندانیان در زندان بدون وکیل نا امنی نیست؟ شکنجه و آزار و گسیل نیروی مسلح علیه کسانی که دارند حقتان را مطالبه میکنند اوج نا امنی نیست؟ کوله بری که از سر ناچاری و اجبار خودش را به آب و آتش میزند برای اینکه زندگی بردگی اش بچرخد و هر روز هم تعدادی از آنها را میکشند جنایت و ایجای فضای نا امنی نیست؟... سازمان دادن این هم نیروی سرکوبگر که با پول و مالیات طبقه کارگر دارد تامین میشود، اسمش را چه میگذارید؟ این نا امنی نیست؟ سران حکومت سرکوبگر و مجموع نهادهای زیر نظر و تحت هدایت خامنه ای جلاد با حقوقهای چندین میلیونی که میگیرند، واز مالیات دادن نیز معاف هستند، اسم این ظلم و قلدری و ایجاد نا امنی نیست؟ نزدیک به یک میلیون آخوند لمپن و مفتخور بدون اینکه کار مثبتی در حق ان جامعه انجام بدهند، اسم این ظلم و ناعادلتی و نا امنی را چه میگذارید؟

اما اگر مردم گرسنه و ناراضی به این وضع موجود اعتراض میکنند، از جانب حکومت اسلامی، که نفس موجودیتش برای شهروندان همواره نامن بوده است، فوری با بر چسپ عوامل بیگانه، بر علیه امنیت ملی، توهین به رهبر، ضد انقلاب، عوامل امریکا و اسرائیل، و چرندیات مشابه مواجه میشوند، و بهانه برای سر کوب و کشتن و قتل و جنایت علیه کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان برای خود فراهم میکنند. سران حکومت، چه اصلاح طلب چه اصول گرا و اعتدال و هر قماش دیگر، همگی در تمام این ظلم و دزدی و جنایت و غارات و نا امن کردن جامعه و اجرای جنایتکارانه اعدامهای دسته جمعی و راه اندازه قتل و شکنجه شریک هستند. باید در آینده همه این جنایتکاران در دادگاه جوابگو باشن و مجازات شوند. آن روز نزدیک است. راه مقابله با افزایش فشار رژیم تداوم مبارزه و گسترش اتحاد صفوف جنبش مان است!

در اخر فراخوان من این است جنبش طبقه کارگر در ایران از این پراکندگی در بیاید. و ضروری و لازم است باید متحد شویم. زور و قدرتمان را روی هم بگذاریم. رهبران کارگری و کمونیستهای ازایخواه و برابری طلب و فعالین نهادهای اجتماعی، معلمان و دانشجویان ضروری است بیش از پیش در یک صف واحد سوسیالیستی متحد شوند و بر علیه این رژیم مستبد و دزد و آدم کش دست در دست همدیگر بگذاریم. و در این راه مهم است به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید، این حزب را از خود بدانید. در یک کلام تمام تلاش خود را بکار آندازیم تا جنبش و صف طبقاتی بر حقمان در ایران را تقویت تر و متحد تر کنیم و هر چه زودتر این رژیم ضد کارگر و ضد انسانی را به زباله دان تاریخ بسپاریم. زنده باد سوسیالیسم!

از پیدایش رژیم جمهوری اسلامی این حکومت سرمایه و نماینده جهل و خرافات در ایران و منطقه نزدیک به چهل سال است که زندگی طبقه کارگر در ایران و اقشار ناراضی و برابری طلب زیر فشار تهدید زندان و شکنجه، و خانه خرابی و توهین و بی حرمتی قرار داده است. حتی برای یک دقیقه هم شده از جنایت کردن در حق ان جامعه به خصوص زنان و کارگران کوتاهی نکرده است. شب و روز دستگاه چپاول و سرکوب و اعدام دارد کار میکند.

این حکومت مافیایی زندگی جامعه هشتاد میلیونی را نا امن کرده است. کارگر با آن حقوق ناچیز کار میکند اما آنرا هم پرداخت نمی کنند. وقتی اعتراض هم میکنند مورد هجوم اوباش اطلاعاتی و سپاه و نیروی انتظامی و جنایتکاران "آتش به اختیار" قرار میگیرند. نمونه بارز کارگران هفت تپه و کارگران شرکت فولاد اهواز است که چگونه این جنایتکاران دست به سرکوب و بازداشت آنها زدند. این رفقا مگر چه جرمی مرتکب شده اند؟، کار کرده اند پولشان را میخواهند. زن و بچه دارند و خانواده دارند، کرایه خانه باید پرداخت کنند، پول برق و آب باید پرداخت کنند، باید پول دارو و دوا و پوشاک و لباس و خورد خوراک شان تامین کنند. کارگران نه از راه دزدی و فساد و مفت خوری، که شما اسلامیها و حکومتیها و سرمایه داران به آن عادت دارید، بلکه با کار شبانه روزی و قدرت بازوی خود بدست می آورند چرا آنرا نیز میزدید و به کارگران پرداخت نمی کنید. چرا باید برای چنین مطالبه چنین تو زندان باشند. چه کار کرده اند که مانند سگ وحشی نصف شب به منزلشان یورش میبرید؟

معلم و دانشجو و نهادهای دفاع از محیط زیست نیز به همین شکل اعتراض به وضع موجود دارند، اما بلافاصله مورد هجوم قرار میگردند و روانه زندان و زیر ضربت شکنجه شلاق و قتل عمدی قرار میگیرند. زنان اسلام زده در ایران برای بی حقوقی مطلق و تبعیضات و مخالفت با حجاب اجباری اعتراض میکنند، فورا به دستور سران این حکومت سرکوب و مورد بی حرمتی و تجاوز و شخصیت شکنی قرار میگیرند. نهادهای اجتماع و تشکلهای کارگری در ایران دارند با هزار مشکلات و محدودیت تلاش میکنند برای یک زندگی بهتر برای خودشان و آینده فرزندانیشان به وجود بیاورند، اما از طریق این حکومت فاشیست اسلامی "غیر قانونی" و "مجرم" شناخته میشوند. آنهایکه دفاع از حق کودکان میکنند و همایش کودکان راه می اندازند را نیز تحمل نمیکند فورا فعالیتش را بازداشت و تحت پیگرد قرار می دهند. دفاع از روز هشت مارس، دفاع از روز جهانی کارگر، دفاع از بیکاران، دفاع از زلزله زدگان، دفاع از حق حیوانات، دفاع از تشکل و آزادی، و دفاع از هر چیزی که به حق و حقوق انسان ربطی داشته باشد از جانب این همین حکومت عدل الهی، این حکومت دزد و آدمکش سرمایه داران فارس، ترک، کرد و عرب زبان سرکوب و آنانرا "غیر قانونی" اعلام و فعالیتش با تعقیب و دستگیری مواجه میشوند، و با پاپوش دوزی و دروغ و "امنیتی" قلمداد کردن آن فعالیتها هر روز فعالین صادق و دلسوز این عرصه های سیاسی و اجتماعی و کارگری را روانه سیاه چالهای خود میکنند.

بدین ترتیب این جنایتکاران زندگی میلیونها انسان، به خصوص زندگی کارگران، و کلا همه سرمایه ان مملکت را به کروگان گرفته اند. به هیچ وجه دست بردار هم نیستند. انگار ملک باباشان است و خود را صاحب هم چیز میدانند.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

فاجعه خودکشی تحت حاکمیت حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی

آذر کیمیا

متأسفانه روزی نیست شاهد اخبار خودکشی در این کشور ویران شده نباشیم. خودکشی ناشی فشارهای اقتصادی، فرهنگی، حکومتی و بی‌آیندگی که این نظام برای اکثریت جوانان و شهروندان به ارمغان آورده است. در این هفته خبر مرگ سه جوان دیگر از جمله جوانی را به خاطر فقر و تمام شدن آخرین "نان" باقی مانده بر سر سفره خانواده اش را شنیدیم، و دل هر انسانی را، بجز نا انسانهای که دستی در این حکومت دارند، به درد آورد. واقعا این چه نظام و دنیای ضد انسانی است که بر ما حاکم شده است و این چه مردمی است که تا این حد خفت و بدبختی را تحمل میکنند؟! پست ترین افراد حکومتی و فرزندانشان در میان پول باد آورده میلیاردی در داخل و خارج کشور میخوابند و با آن عیش و نوش میکنند، اما اکثر ما و فرزندانما در این مملکت بخاطر بیکاری و بی پولی و نبود لقمه نانی باید جان بدهیم.

اگر در باره دلایل خودکشی در ایران صحبت کنیم علتش افسردگی شدید، ناامیدی، فقر، بستن راهای رشد و تعالی آزادانه نسل جوان، و همچنین مشکلات خانوادگی که آنهم محصول مشکلات جاری در جامعه و اقدامات حکومتی است که بوی از انسانیت نبرده و نخواهد برد. مشکلات اقتصادی که در کشور داریم مهمترین عامل و منشا بیشتر عوامل دیگر نیز هست. اگر هر کس بتواند نیازهای زیستی روانی اجتماعی و معنوی اش را در حد محدود و منطقی تامین کند، و اگر این نیازها تامین شوند، رفتار شخص نرمال و زندگی قابل تحمل تر می شود و اگر تامین نشد یا باید نیازها را از راه غیر عادی و غیر اخلاقی، مثلا مانند دزدهای حاکم بر کشور تامین نمود، و یا این نیازمندیهای اولیه زندگی را سرکوب نمائیم و یا منتظر جنون اعتیاد، بزهکاری و در نهایت خودکشی باشیم.

خودکشی در طی بیست سال اخیر هر روز بیشتر و بیشتر و متأسفانه عادی و عادی تر نیز شده است. خودکشی شامل بیماری های روانی هم می شود. افرادی که دچار افسردگی و ناراحتی هستند نمی توانند خود را با شرایط تطبیق دهند و جان خود را می گیرند. فضای ایران فضای ناامیدی و اعمال ناعادالتی بسیاری است. تا این حکومت نفس بکشد نمیتوان هیچ راه حلی برای پایان دادن و یا کاهش این نوع پدیده های غیر انسانی پیدا کرد. مرگ جمهوری اسلامی خود اولین درمان و راه حل است. باید کاری کنیم که هر کسی در حد منطقی احساس کامیابی کند و نه نا کامی. می گویند سن ازدواج بالا رفته است آنگاه که فرد نتواند مسکن، اشتغال و درآمدی مناسب داشته باشد چگونه می تواند ازدواج کند در صورتی که با ازدواج مسئولیتش بیشتر می شود. ما برای هر کاری نیازمند روحیه هستیم و به نظر می رسد روحیه مانند شعله است هرگاه شعله ها مانند شعله کبریت و شمع ضعیف باشند با یک نسیم خاموش می شوند و شعله نیرومند مانند شعله منقل کبابی هاست که هر چه به آن می دمند نیرومند تر می شود. شعله ما قربانیان فقر و خودکشی و بیکاری و بی پولی و بی نانی تنها با خاموش کردن فتیله سمی جمهوری اسلامی و حاکمیت ظالمانه سرمایه داران شعله ورتر می گردد.



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیست ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میادین شهرها و محلات پخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخبار و گزارشات مهم کارگری و توده‌ای در هفته‌ای که گذشت!

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



۹۳ تا پایان ۹۵ به مدت سه سال در استخدام شرکت پیمانکاری «تراورس» بودند، بخشی از مطالبات خود را از کارفرمای شرکت پیمانکاری که شامل حق سنوات، حق مرخصی، اضافه کاری و غیره می‌شود، طلبکارند. کارگران در ادامه پیگیری مطالبات خود، شکایتی نیز علیه پیمانکار در اداره کار زاهدان مطرح کرده اند، که در نهایت پیمانکار قبلی به بهانه های مختلف از پرداخت معوقات مزدی آنان خوداری کرده است.

اتهام امنیتی علیه فعال کارگری علی نجاتی

علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه به "اخلال در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام" متهم شد. وکیل مدافع علی نجاتی، کارگر بازنشسته و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، سه‌شنبه ۲۷ آذرماه اعلام کرد که موکلش به اخلال در نظم عمومی از طریق هدایت جریان اعتصابات و تجمعات شرکت نیشکر هفت‌تپه و تبلیغ علیه نظام متهم شده است. ماموران امنیتی هشتم آذر، همزمان با اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه علی نجاتی را در خانه‌اش دستگیر و به زندان منتقل کردند. مقام‌های قضایی پرونده قبلی را علت دستگیری او اعلام کردند اما به گفته وکیل، علاوه بر اتهامات قبلی، دو اتهام دیگر نیز به نامبرده تفهیم شده است.

انتقال مهرداد صبوری و امید احمدی به زندان کامیاران

روز پنجشنبه ۲۹ آذرماه، "مهرداد صبوری و امید احمدی" دو فعال کارگری اهل کامیاران، جهت تحمل حبس به زندان کامیاران منتقل شدند. این دو فعال کارگری پیش‌تر توسط شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان به اتهام شرکت در مراسم روز جهانی کارگر به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بودند. لازم به ذکر است که آرام محمدی و شاهو صادقی نیز دیگر محکومان این پرونده روز چهارشنبه ۲۷ آذرماه جهت تحمل دوران محکومیت حبس ۳ ماهه‌خود به زندان کامیاران منتقل شده بودند. گفتنی است ۹ آذر ماه سالجاری "مهرداد صبوری، امید احمدی، آرام محمدی، دلنیا صبوری، شاهو صادقی و روژین ابراهیمی" به دلیل شرکت در مراسم روز جهانی کارگر توسط شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان مجموعاً به ۳۰ ماه و شش روز حبس محکوم شده بودند.

تجمع اعتراضی تاکسی‌داران در بوکان

روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه، تعدادی از تاکسی‌داران بوکان در اعتراض به پاسخ نگرقتن در مورد مطالباتشان در مقابل فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. رانندگان تاکسی به پایین بودن کرایه تاکسی، افزایش قیمت قطعات یدکی خودروها و گرانی سوخت مقابل فرمانداری شهرستان بوکان دست به تجمع اعتراضی زدند. در همین خصوص رانندگان آژانس‌های تاکسی تلفنی نیز نسبت به فعالیت تاکسی‌های اینترنتی در بوکان اعتراض داشته و از مسوولان خواستند تا از فعالیت این نوع تاکسی‌ها جلوگیری کنند. مدتی است که تاکسی‌های اینترنتی با عنوان ماکسیم در شهر بوکان فعالیت خود را آغاز

اخبار و گزارشات کارگری این هفته را با پیروزی کارگران کارخانه رنگ سازی پارس بعد از شش ماه مبارزه آغاز میکنیم:

۶ ماه مبارزه پیگیرانه کارگران کارخانه رنگ سازی پارس، سرانجام به نتیجه رسید و کارگران این شرکت توانستند کلیه مطالبات طرح شده خود را کسب کنند. در طول این ۶ ماه کارفرما هر بار با بهانه های گوناگون، با حيله گری و دروغ، تلاش کرد خود را از فشار کارگران رها کند و مطالباتشان را پشت گوش باندازد. اما سرانجام، روز شنبه ۲۴ آذرماه، کارگران این کارخانه، موفق شدند هشت ماه دستمزد معوقه سال ۹۶ و ۷ ماه از مطالبات مزدی سالجاری را بدست بیاورند. بدین ترتیب اعتصابات کارگران به نتیجه رسید و با پیروزی کارگران، فعالیت این واحد تولیدی بطور کامل از سر گرفته شد. کارگران معترض علاوه بر دریافت دستمزد معوقه، باقیمانده عیدی سال گذشته را نیز بدست آوردند.

بازداشت گسترده کارگران فولاد اهواز

نیمه شب یکشنبه ۲۵ آذرماه، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بایورش به خانه کارگران مجتمع صنعتی فولاد اهواز ۳۱ تن از آنان را بازداشت کردند. ورود نیروهای امنیتی به منازل کارگران بدون ارائه حکم بوده است. ماموران برای بازداشت کارگران بیشتری نیز اقدام کرده بودند اما به دلیل عدم حضور آنها در محل های اقامتشان، موفق به بازداشت آنها نشده اند. لازم به گفتن است که دستگیری ها با ضرب و شتم و اهانت همراه بوده است. از نیمه شب یکشنبه ۲۵ آذر تا چند روز پیش، بیش از ۴۰ نفر از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با یورش گسترده به منازل آنها، توسط ماموران و نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. اسامی این کارگران عبارتند از: میثم علی قنوازی، عیسی مرعی، امین علوانی، مرتضی اکبریان، طارق خلفی، مسعود عفری، جعفر سبحانی، مصطفی عیبات، غریب حویزوی، کریم سیاحی، حامد باصری، حافظ کنعانی، حامد جودکی، حسین داودی، کاظم حیدری، یاسر ابراهیمیان، مجید جنادله، کوروش اسماعیلی، علی عقبا، محسن بلوطی، محسن بهبهانی، محمد پور حسن، سید حبیب طباطبائی، جاسم رومزی، علی اتمامی، سید علی جواد پور، جواد غلامی، عبدالرضا دستی، سید احمد سید نور، فریبرز شیخ رباط، احسان یوسفی، بهزاد علیخانی، احمد باوی، آرش محمد پور، میثم آل مهدی، سید مصطفی موسوی، سید مجید موسوی، امیر دهقان، مجید جلالی، حسین عساکره، بهزاد شهبازی.

روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه، یازده نفر از کارگران شرکت فولاد اهواز که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند با قرار کفالت آزاد شدند. اسامی کارگرانی که تاکنون آزاد شده اند به شرح زیر است: ۱- سیدحبیب طباطبایی ۲- جواد غلامی ۳- محسن بلوطی ۴- مهدی طهماسبی ۵- کوروش اسماعیلی ۶- علی امامی ۷- عبدالرضا دستی ۸- سهراب نعمانی ۹- حسین عساکره ۱۰- فریبرز شیخ رباط ۱۱- سید علی جواد پور. با آزادی ۱۱ نفر از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، هم اکنون ۳۰ کارگر دیگر همچنان در بازداشت هستند.

معوقات مزدی صدها کارگر خط و ابنیه فنی راه‌آهن جنوب شرق

۳۰۰ نفر از کارگران خطوط ابنیه فنی راه‌آهن جنوب شرق زاهدان همچنان چندین ماه معوقات مزدی دارند. این کارگران که بین سالهای

گزارش و اخبار

کرده اند که با اعتراض سایر رانندگان آژانس های تاکسی تلفنی مواجه شده است. گفتنی است که یک هزار و ۲۹۱ دستگاه تاکسی در سطح شهر بوکان فعالیت دارد که ۷۸۰ دستگاه آن گردشی و خطی، ۴۸۹ دستگاه تلفنی، هشت دستگاه ویژه و ۱۴ دستگاه ون است.

بهنام ابراهیم زاده دوباره بازداشت شد

شب ۲۱ آذر بهنام ابراهیم زاده فعال شناخته شده کارگری، مدافع حقوق کودک و حقوق انسانی توسط ماموران اداره اطلاعات تهران بازداشت شد. در این شب شش نفر از مامورین اداره اطلاعات بدون اطلاع قبلی وارد خانه ی بهنام شده و ضمن دستگیری وی، لوازم شخصی او از جمله لب تاب او را با خود برده‌اند. بهنام در تاریخ ۲۹ آبان ۹۷ در دادگاهی غیابی در کرمانشاه با اتهام "تبلیغ علیه نظام" به ۱۸ ماه حبس محکوم شده بود. بهنام در دو ساله اخیر نقش ارزنده ای در کمک رسانی به زلزله زدگان و تشویق افراد به کمک رسانی به مردم محروم این منطقه داشته است و جمهوری اسلامی به اتهام این کمک ها و مبارزات درخشان، بهنام را تحت عنوان "تبلیغ علیه نظام" به هجده ماه حبس محکوم کرده است.

زانیار دباغیان آزاد شد

زانیار دباغیان فعال کارگری که ۱۶ مهر با یورش نیروهای امنیتی و اطلاعات حکومت اسلامی بازداشت شده بود به مدت ۶۵ روز در انفرادی اطلاعات تحت شکنجه بود خوشبختانه آزاد شد. ما آزادی وی را صمیمانه تبریک میگوئیم.

در میان خبرها

اعتصاب غذای ۴ زندانی سیاسی عقیدتی در زندان مرکزی ارومیه

چهار تن از زندانیان سیاسی در زندان مرکزی ارومیه دست به اعتصاب غذا زدند. روز پنجشنبه ۲۹ آذر ماه ۹۷ چهار تن از زندانیان بنام های خضر خسروا قدم؛ آواره قیطرانی؛ احد مهتری و خسرو جک در زندان مرکزی ارومیه در اعتراض به نداشتن حداقل امکانات زیستی دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان نامبرده روز سه شنبه ۲۷ آذر ماه از بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه به بند یک منتقل شدند. در این بند بیش از ۱۰۰۰ نفر محبوس هستند و زندانیان بدلیل نداشتن جای خواب حتی روی پله ها می خوابند. زندانیان مذکور از صبح روز پنجشنبه رسماً با تجمع جلوی دفتر مدیریت اعلام اعتصاب غذا کردند.

۱۱ سال زندان و ضبط اموال شخصی به نفع دولت

یکتا فهنذر سعدی یکی از شهروندان بهایی به ۱۱ سال حبس و ضبط اموال شخصی به نفع دولت محکوم شده است. این شهروند بهایی پیشتر در ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۹۰ توسط مامورین اطلاعات شیراز به اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور دستگیر شد و مدت ۸۲ روز در بازداشت گذراند. وی در دادگاه به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم شد و در دادگاه تجدید نظر از حکم تعلیقی پرونده اول تبرئه گردید. این شهروند بهایی در تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۲ برای بار دوم توسط وزارت اطلاعات به همان اتهام مجدداً دستگیر و مدت ۲ ماه در بازداشت پلاک ۱۰۰ اطلاعات شیراز به سر برد.

تجمع اعتراضی معلمان و فرهنگیان در گیلان و رشت

معلم و فرهنگیان شهرهای مختلف در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان از ابتدای صبح روز پنجشنبه دست به تجمعات اعتراضی زدند. روز پنجشنبه ۲۹ آذر معلمان و فرهنگیان در گیلان در اعتراض به پاسخ نگرقتن در مورد مطالبات شان در مقابل استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

همزمان شمار زیادی از فرهنگیان و معلمان یزد نیز در پارک فناوری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها دست نوشته هایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: جای معلمان شجاع در کلاس درس است، معلمان زندانی را سریعاً آزاد کنید آنها شعار می دادند: معلم زندانی کارگر زندانی آزاد باید کردند

هر چهار دختر سانحه آتش سوزی دبستان زاهدان جان خود را از دست دادند

شمار دخترانی که در جریان آتش سوزی دبستان زاهدان جان خود را از دست دادند به چهار نفر رسید؛ در نتیجه همه دخترانی، که بنا بر گزارش ها در حریق گیر افتاده بودند، جان خود را از دست داده‌اند. صبح سه شنبه ۲۷ آذر واژگون شدن یک چراغ نفتی در کلاس دبستان و پیش دبستانی غیرانتفاعی دخترانه اسوه حسنه به حریق انجامید. آن طور که گزارش های فعلی نشان می دهد در زنگ تفریح مدرسه، بند کیف یکی از دانش آموزان به چراغ گیر کرده، در نتیجه چراغ واژگون شده و چهار کودک باقی مانده در کلاس، در آتش گرفتار شده‌اند. در سال ۱۳۹۱ آتش سوزی ناشی از بخاری نفتی در دبستان شین آباد دو کشته و ۲۷ زخمی برجای گذاشت. در روستای سفیلا در سال ۱۳۸۳ آتش سوزی مشابهی جان آموزگار را گرفت. سال ۱۳۸۵ هشت دانش آموز در حریق مدرسه شهید رحیمی فارس زخمی شدند یا آتش سوزی ناشی از اتصال سیم برق در دبیرستانی در چابهار در سال ۱۳۹۰ که جان چهار دانش آموز را گرفت. علاوه بر این ها سوانح دیگری نیز جان دانش آموزان ایرانی را گرفته‌اند که از جمله می توان به تصادفات اتوبوس های «راهیان نور» (اشاره کرد. با این حال، با در نظر گرفتن شمار دانش آموزان گرفتار در حریق در مدرسه «اسوه حسنه» و شمار جان باختگان، این سانحه یکی از مرگبارترین سوانح سال های اخیر به شمار می رود.

گزارشی از فشار مضاعف بر کارگران شرکت آدامس سازی کردستان (ون) شرکت آدامس یا سفز سازی کردستان (ون)

در شهرک حسن آباد در ۵ کیلومتری شهر سنندج قرار گرفته است. بر اساس گزارش دریافتی، کارفرمایان این شرکت شرایط سختی را برای کارگران شاغل در این شرکت ایجاد کرده است: از اضافه کاری اجباری گرفته تا تهدید به کم کردن حق ارزش یابی. از سوی دیگر، کارفرما به کارگران اعلام کرده که هر کسی این شرایط را رعایت نکند با چند روز کسری حقوق مواجه می شود. طبق این شرایط غیر انسانی و برده وار، کارگران از استفاده گوشی همراه هنگام کار منع شده اند. این گزارش می افزاید کارگران به دلیل محروم بودن از تلفن همراه، بارها به دلیل بی اطلاعی از خانواده، دچار مشکل شده اند. همچنین کارفرما به کارگران گفته اگر این شرایط را قبول ندارد، می توانند کار را ترک کند. در واقع کارفرما با فشار بر کارگران، شرایط را برای اخراج کارگران فراهم می کند.

به روایت تصویر: مبارزه کارگران و چند اتفاق مهم دیگر در هفته که گذشت

"فریاد فریاد از اینهمه بیداد"
"آتش به جان بچه‌ها، بودجه شده سهم شما"

تجمع اعتراضی پرشور فرهنگیان مقابل اداره آموزش و پرورش اصفهان
۲۹ آذرماه ۹۷



برخورد نامورین شهرداری ، با زن سالمند دست فروش دور میدان شهرداری ساری و همدردی مردم با وی



● حمله نیروهای انتظامی با اسب‌ری فلل به زلزله زدگان سرپل ذهاب که برای بیان خواسته هایشان به استاندار کرمانشاه تجمع کرده بودند.
23 آذر 97
#حمایت_سراسری_از_زلزله_زدگان
anjomanbfc@



چهارمین دانش آموز آسیب دیده در آتش سوزی در زاهدان درگذشت

3 ساعت پیش



آتش سوزی در تکلیف درسی چهار قربانی گرفت

استثمار، بیکاری ، پرچم ،مایه داری
۲۴ آذر ۹۷



↓ کارگر زندانی آزاد باید گردد! ↓



کانال مستقل کارگران
هفت تپه

کارگر زندانی آزاد باید گردد!، استثمار، بیکاری، پرچم سرمایه داری!

نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



پیام سلام زیجی به مناسبت پایان سال ۲۰۱۸ و شروع سال ۲۰۱۹ میلادی



کارگران، زحمتکشان! زنان و جوانان آزادیخواه!

پیشاپیش فرا رسیدن سال نو میلادی، سال ۲۰۱۹، را شاد باش می گوئیم و امیدوارم که سال پیش رو سال بهتری برای همه آزادیخواهان باشد.

متأسفانه سال ۲۰۱۸ میلادی نیز سال خوبی برای طبقه کارگر و برای اکثریت شهروندان این جهان وارونه سرمایه داری نبود. سال ۲۰۱۸ هم سال مملو از درد، رنج، فقر، آوارگی، جنگ، تروریسم، سال سرکوب مبارزات کارگری و آزادیخواهانه، سال تداوم افسارگسیختگی جنایتکاران حاکم چون خامنه ای و ترامپ و همدیفان آنها در جهان، سال یورش گستاخانه تر جهان سرمایه داری و دمکراسی شان به حق و حقوق کارگران و زحمتکشان، سال باز هم زدن معیشت و دستمزد کارگران و زحمتکشان، سال ثروتمند تر شدن یک مشت اقلیت یک درصدی سرمایه دار دزد و استثمارگر از قبل کار ارزان طبقه کارگر، سال پیوستن دهها میلیون انسان دیگر به صف میلیاردری گرسنگان جهان بیشرم سرمایه داری، سال تعرض به جسم و روح دهها میلیون کودک، سال گسترش بیشتر فاشیسم ملی گرایی و اسلامی، سال گسترش بردگان "مدرن"، سال دو برابر شدن آمار بیکاری و فقر و تن فروشی و مرگ و میر سانحه کار و خودکشی ها در بیشتر کشورها از جمله در ایران، و بلاخره و متأسفانه سال ادامه حیاط مستبذترین، قاتل ترین و جنایتکارترین رژیمهای تاریخ، یعنی جمهوری اسلامی بود.

در کنار وجود دنیای سیاه حاکم سرمایه داران و همپالگهای مرتجعشان، اما همزمان روزنه های از امید نیز همواره در حال درخشش بود و هست. مقاومت بی وقفه علیه شرایط حاکم، امید به آینده بهتر و تلاش هر روزه برای تغییر و زندگی شایسته انسان از سوی طبقه کارگر و کمونیستهای آن طبقه، از جانب جنبش آزادیخواهانه زنان و جوانان و نیروهای مترقی و سوسیالیست و آزادیخواه، کم و بیش اجازه نداده است که جهان ظالمانه بیش از آن چیزی که هست به قهقرا و ویرانگی سوق داده شود. این تلاش جنبش سوسیالیستی ما بوده که توانسته مسیر در منجلا ب فرو بردن کل انسانیت را مانع گردد. متاخرترین نمونه های این تلاش و مبارزه را، مستقل از نتایج و سرنوشت آینده آنها، در اروپا و فرانسه از جانب کارگران و "جلیقه زردها" و در ایران و خاورمیانه از طریق مبارزه پرشور هفت تبه و فولاد شاهد بودیم و نمایندگی شد. در عین حال تجربه این وقایع نیز نشان داد که هم در قلب جهان دمکراسی "مدرن" حاکم سرمایه داری در غرب، و هم در چهار چوب حاکمیت سیاه و خشن و عقب مانده سرمایه داری تحت عنوان جمهوری اسلامی، بدون ساختن ابزارهای نیرومند مبارزه سخت طبقاتی در این عصر، بدون توصل به قهر انقلابی-کارگری علیه انظام ضد انسانی یک مشت سرمایه دار فاسد، و بدون تدارک ابزارهای "خشونت آمیز" انقلابی-سوسیالیستی علیه دولت‌های حاکم، بدون شکل دادن به صف واحد طبقاتی-سوسیالیستی خود آگاه و ضد سرمایه داری نمیتوان برای کنار زدن حاکمیت سرمایه داران و ارگانهای متخصص خشونت و سرکوب و گشتارشان علیه کارگران و معترضین یک قدم به سوی آزادی، برابری، امنیت، رفاه و سوسیالیسم در هیچ جای از این جهان، و بطریق اولی در ایران برداشت. فراخوان اول و محوری ما تقویت این سیاست و تلاش برای شکل دادن به صف و ائتلاف سوسیالیستی-طبقاتی واحد علیه کلیه ارگان نظام سرمایه داری و نیروهای ملی-اسلامی آن در پوزسیون و اپوزسیون است!

از جانب خود و حزب سوسیالیست انقلابی ایران یکبار دیگر برای تک تک شماها، خانواده و فرزندان و بستگان عزیزتان در ایران و خارج کشور صمیمانه آرزوی تندرستی و شادابی و موفقیت داریم. به این امید سال ۲۰۱۹ میلادی سال بهتری برای شما عزیزان، و سال گسترش مبارزه کارگری و سوسیالیستی علیه جمهوری اسلامی باشد!

یاد عزیز همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، و یاد عزیز همه کارگران و زنان و کودکان قربانی دست ارتجاع سرمایه داری، اسلامیها و ملی گرایان، گرامی باد!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر سرمایه داری!

با احترام!

سلام زیجی

۱ دی ۱۳۹۷
۲۲ دسامبر ۲۰۱۸

اخراج و بیکارسازی موقوف!